

نوزا

مزون نوزا

در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم
شامل مانتو، شلوار ، مقنعه و انواع شومیز
سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴-میر مجیدی

۰۹۳۹۳۰۱۶۱۷۲ - ۰۱۷۳۲۲۲۴۸۰۲
nozhaa_collection

یادداشت اول

به بهانه سوم شهریور،
زادروز محمدعلی اسلامی ندوشن

قلمی که ایران را نوشت

■ سیدمهدی جلیلی

سومین روز شهریور ۱۳۰۳، خورشید بر ندوشن یزد روشن‌تر از همیشه طلوع کرد؛ گویی می‌دانست که قرار است کودکی چشم به جهان بگشاید که سال‌ها بعد، چراغ اندیشه و فرهنگ ایران شود. محمدعلی اسلامی ندوشن، نه فقط یک استاد حقوق بین‌الملل، بلکه شاعری بود در جامه دانش، و اندیشمندی که واژه‌ها را با طراوت جان می‌آراست. او از فرانسه، با دانش حقوق بازگشت، اما دلش در کوچه‌پس‌کوچه‌های شاهنامه و شاهبیت‌های حافظ می‌تپید. در دانشگاه تهران، هم حقوق می‌آموخت، هم شعر می‌فهماند. در کلاس‌هایش، قانون با ادب پیوند می‌خورد، و نقد با نگاهی انسانی و ژرف همراه می‌شد. بیش از پنجاه کتاب، حاصل عمر پربارش بود؛ از «ماجرای پایان‌ناپذیر حافظ» تا «ایران و تنهائی‌اش»، از «روزها» تا «جام جهان‌بین». هر اثرش، پنجره‌ای بود به درون روح ایرانی، و پلی میان ایران و جهان. او از حافظ می‌پرسید، از شاهنامه می‌آموخت، و از وجدان بشر در جهان سوم سخن می‌گفت. اسلامی ندوشن، ایران را نه فقط یک سرزمین، بلکه یک مفهوم می‌دانست؛ مفهومی از فرهنگ، اخلاق، و گفت‌وگو. در کتاب «ایران را از یاد نبریم»، با لحنی پرمهر و نگران، از فراموشی هویت ملی هشدار می‌داد. او باور داشت که ایران، اگرچه تنهاست، اما هنوز حرفی برای گفتن دارد- حرفی از جنس انسانیت، خرد، و زیبایی. درباره حافظ، او نه فقط به غزل‌ها دل می‌سپرد، بلکه به اندیشه پشت واژه‌ها می‌نگریست. در تأمل در حافظ و ماجرای پایان‌ناپذیر حافظ، نشان داد که حافظ، شاعر وجدان ایرانی‌ست؛ کسی که در پیچ‌وخم تاریخ، صدای حقیقت را با نغمه عشق درآمیخت...

ادامه در صفحه ۲

نفس تازه گردشگری با سرمایه‌گذاری
۴ هزار میلیارد ریالی

»



۲

نامه‌ای سرگشاده از طرف یک شهروند نمونه کردکوی
جنگل ماهویت ماست

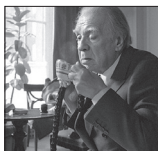
»



۳

خورخه لوئیس بورخس:
آینه‌ای از شرق در دل ادبیات غرب

»



۴



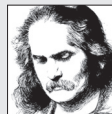
امنیت ساندویچ‌های سرد، خط قرمز
سلامت شما در گرما!

» ۸ «



امام رضا (ع) و ترکمن‌ها
«یادداشت»

» ۷ «



آیا شعر زمستان اخوان ثالث یک شعر
بدون قرینه است؟

» ۵ «

کشت ۵۰۰ هکتاری

زعفران



است. لازم به ذکر است بر اساس گزارش‌ها در ایران هر ساله حدود ۱۲۷ هزار هکتار زمین زیر کشت زعفران می‌رود؛ این میزان ظرفیت بالقوه تولید باید بالغ بر ۱۰۰۰ تن زعفران خشک داشته باشد. اما در سال گذشته تنها بین ۴۰۰ تا ۴۵۰ تن زعفران تولید شده است. به عبارت دیگر، میزان واقعی تولید کمتر از نصف ظرفیت بالقوه است بر این اساس باید با نگاهی علمی زمینه استفاده ازهمه ظرفیتها را فراهم کرد.

زعفران در موقعیت بسیار مناسبی قرار دارد. ترکیب اقلیم مطلوب، کیفیت ممتاز، نواحی مستعد و انگیزه کشاورزان محلی همراه با آموزش‌های تخصصی، فرصت آن را فراهم کرده تا گلستان به قطب تولید زعفران شمال کشور تبدیل شود. استفاده از تکنیک‌های نوین، پیازها با کیفیت و توسعه صنایع تبدیلی و بسته‌بندی در استان و برنامه‌های حمایتی و سرمایه‌گذاری دیگر برای رشد کشت زعفران ضروری

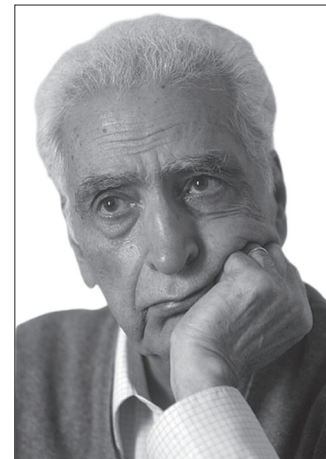
بسته به آب و هوا و موقعیت اقلیم در مرداد و اوایل شهریور انجام می‌شود و در اواسط پاییز به برداشت می‌رسد. زعفران برای گلستان یک محصول جدید است که از سر اتفاق به خانه‌های مردم وامنان آمده است و اینک چند سالی است که روستاییان آزادشهر به کشت آن پرداخته‌اند و امسال احتمالاً حدود چهار تن زعفران بدست خواهند آورد. در این باره باید یادآور شد استان گلستان از نظر پتانسیل کشت

علیرضا صدرایی- در هنگامه تلاش دولت برای تعیین قیمت‌های از پیش تعیین شده و در زمانه سیاست‌های عجیب و غریب کشاورزی و قیمت‌های تضمینی و برنامه ریزی‌هایی که نتیجه آن تک محصولی شدن گلستان در کشاورزی بوده است خبر آغاز کشت زعفران در بیش از پانصد هکتار از زمین‌های کشاورزی روستاهای آزادشهر می‌تواند خبر خوبی برای اهالی گلستان باشد. کشت زعفران

ادامه یادداشت اول

به بهانه سوم شهریور، زادروز محمدعلی اسلامی ندوشن

قلمی که ایران را نوشت



شاهنامه برای او، کتابی اسطوره‌ای نبود، بلکه آینه‌ای بود از زندگی و مرگ پهلوانان، از نبرد میان روشنایی و تاریکی، در زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه و ایران و جهان از نگاه شاهنامه، نشان داد که فردوسی، نه فقط شاعر حماسه، بلکه آموزگار اخلاق و پایداری است. و درباره مولانا و نظامی گنجوی، او با نگاهی تطبیقی، آن‌ها را حلقه‌هایی از زنجیره خرد و عشق در فرهنگ جهانی می‌دید. مولانا را شاعر بی‌مرز می‌دانست، و نظامی را قصه‌گوی خردمند عشق و آرمان. در آثارش، این دو را نه فقط میراث ایران، بلکه گنجینه بشریت معرفی می‌کرد. سوم شهریور، نه فقط زادروز یک انسان، بلکه تولد نگاهی است که ایران را با عشق، با درد، و با امید می‌نگرد. یادش گرامی، اندیشه‌اش جاری، و قلمش چراغ راه. و چه زیبا گفت خود او، در لحنی سرشار از حقیقت و امید: «ایران تنهاست، اما هنوز می‌تواند سرچشمه امید باشد؛ اگر خود را بشناسد و به خود بازگردد» این جمله، نه فقط یک هشدار، بلکه یک دعوت است: دعوت به بازگشت به خویشتن، به ریشه‌ها، به آنچه ایران را ایران کرده است. در روزگار فراموشی، صدای او همچنان می‌گوید: ایران را از یاد نبریم.

گلشن

۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵



قابل توجه مسئولان



محمد تقی احسن

اگر یادتان باشد؛ تا همین اواخر خرداد ماه قیمت برنج به بیش از ۳۰۰ هزار تومان رسید! برنجی که در اختیار دلال بود نه کشاورز! با شروع برداشت برنج از مزارع کشاورزان شاهد کاهش شدید قیمت برنج به زیر ۲۰۰ هزار تومان هستند! این در حالی است که با واردات غیرقانونی برنج؛ پیش بینی می‌شود که به زیر قیمت ۱۵۰ هزار تومان برسد! در صورتی که برابر قانون واردات برنج، ۲ ماه قبل و ۲ ماه بعد از زمان برداشت برنج داخلی ممنوع می‌باشد! کشاورزان برنج کار امسال با افزایش شدید قیمت نهاده ها و دستمزد از یک طرف، و از طرف دیگر با بی آبی و خشکسالی بی سابقه ای با چنگ و دندان و تلاش شبانه روزی مبادرت به تولید محصول می‌کنند! حال شایسته نیست که محصول خود را ارزان و بلکه با ضرر و زیان بفروشند!

امسال به بیش از ۳۰ درصد مزارع کشت شده برنج در گلستان به دلیل خشکسالی خسارت شدید وارد شده است.

درخواست کشاورزان؛ توقف واردات و توقف توزیع برنج وارداتی جهت حمایت از تولیدکننده داخلی، کشاورزان مظلوم و بی کس می‌باشد! چگونه است که دولت و مسئولان از صنعت بی کیفیت خودرو با آن قیمت های کاذبی به بهانه حمایت از تولید داخلی حمایت بی چون و چرا

می‌کنند؛ اما از تولیدات داخلی محصولات کشاورزی هیچ گونه حمایتی نمی‌کنند!!!
امسال تابستان اتفاق نادری افتاد!

دستگاه متولی بخش کشاورزی فاقد برنامه کشت بود! حتی نتوانست کود مورد نیاز کشاورز را تامین کند! و کود سفید چند برابر قیمت دولتی در بازار آزاد خرید و فروش شد!!! ترازوی برق که منجر به قطعی برق چاه های کشاورزی شد؛ موجب تخریب چاه ها و خسارت جدی به کشاورزان شده و می‌شود! داستان غم انگیز سبب زمینی گرگان و قیمت ناعادلانه و غیر قانونی خرید تضمینی گندم و جو و چگونگی پرداخت وجه آن، و حالا هم واردات غیر قانونی برنج خارجی هم زمان با برداشت محصول کشاورز!!! شنیده ها هم حکایت از آن دارد؛ امسال دولت هیچ برنامه ای برای خرید تضمینی یا توافقی برنج کشاورزان ندارد!!!

آیا کسی هست به داد کشاورزان برسد؟!
چه کسی مسئول نظارت و رسیدگی به مافیای واردات محصولات کشاورزی است؟!
آیا ما شهروندان روستایی شامل پیگیری مدعی العموم هستیم!!!

آیا مسئولان دولتی و نظارتی و نمایندگان مجلس صدای کشاورزان مظلوم را می‌شنوند!!!

دبیر خانه کشاورز شهرستان گرگان

نفس تازه گردشگری با سرمایه گذاری ۴ هزار میلیارد ریالی



گردشگری و صنایع دستی گلستان بیان کرد: این فروشگاه‌ها نه تنها به هنرمندان محلی امکان فروش محصولاتشان را می‌دهند، بلکه با جذب گردشگران، به حفظ و ترویج میراث فرهنگی منطقه کمک می‌کنند. فعالی گفت: سفره‌خانه‌های سنتی و مزرعه گردشگری نیز با ارائه غذاهای محلی و تجربه زندگی روستایی، گردشگران را به سفری در دل فرهنگ و طبیعت گلستان دعوت می‌کنند که این تنوع در پروژه‌ها نشان‌دهنده نگاه جامع دولت به توسعه همه‌جانبه گردشگری، از زیرساخت‌های اقامتی تا تجربه‌های فرهنگی و طبیعی است. وی افزود: دولت چهاردهم با سیاست‌های هوشمندانه‌ای نظیر تخصیص تسهیلات هدفمند، ارائه معافیت‌های مالیاتی، تفویض اختیارات بیشتر به استان‌ها و حمایت از طرح‌های خلاقانه، بستری مناسب برای شکوفایی صنعت گردشگری فراهم کرده است. برنامه‌ریزی برای ایجاد شهرک‌های گردشگری، بهبود جاده‌های دسترسی، توسعه تأسیسات انرژی و تقویت زیرساخت‌های دیجیتال مانند پلتفرم‌های رزرو آنلاین، گلستان را به مقصدی جذاب و رقابتی در بازار گردشگری تبدیل خواهد کرد.

از کارآفرینان و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی است. فعالی گفت: این سرمایه‌گذاری نه تنها زیرساخت‌های اقامتی و خدماتی را تقویت می‌کند، بلکه با ایجاد ۷۹ فرصت شغلی مستقیم و صدها شغل غیرمستقیم، به کاهش نرخ بیکاری و افزایش درآمد خانوارهای محلی، به‌ویژه در مناطق روستایی، منجر می‌شود. وی ادامه داد: بهره‌برداری از این پروژه‌ها همچنین ظرفیت اقامتی استان را با افزودن ۱۰۰ تخت و ۵۸ اتاق جدید ارتقا می‌دهد و تجربه‌ای راحت‌تر و متنوع‌تر برای گردشگران فراهم می‌آورد. اقامتگاه‌های بوم‌گردی، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی این طرح‌ها، با تکیه بر جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی گلستان، از آبشارهای کبودال تا روستاهای سنتی ترکمن، تجربه‌ای اصیل و پایدار به گردشگران ارائه می‌دهند و به احیای فرهنگ بومی کمک می‌کنند. صنایع دستی گلستان، از قالی‌های نفیس ترکمن گرفته تا زبورآلات سنتی و سفالگری‌های محلی، یکی دیگر از ظرفیت‌های برجسته این استان است و افتتاح شش فروشگاه تخصصی صنایع دستی در این پروژه‌ها، فرصتی طلایی برای معرفی و عرضه این هنرهای اصیل فراهم می‌آورد. مدیرکل میراث فرهنگی،

حرف مردم

نامه‌ای سرگشاده از طرف یک شهروند نمونه
شهرستان کردکوی

جنگل ماهویت
ماست

این صرفا یک نامه سرگشاده از طرف یک شهروند معمولی شهرستان کردکوی می‌باشد که علاوه بر افتخار نمونه بودن، شانس و فرصت ارائه‌ی صحبت‌هایش را در صفحه روزنامه گلشن مهر دارد. نمی‌دانم از کجا و چطور باید شروع کنم، چه کسی را مورد خطاب قرار دهم؟ وقتی مشکلی پیش می‌آید، انسان ناخودآگاه دنبال علت مشکل می‌گردد، ولی، بهتر است خودآگاه دنبال راه حل بگردد. مشکل این روزهای شهر من شده انتقال بازار هفتگی به سه راه پارک جنگلی که گویا با تعطیلی یک هفته‌ای آن قرار است به جای بهتری انتقال پیدا کند. لایذ برایتان سوال پیش می‌آید که چرا دغدغه‌های دیگر، من شهروند را به فکر نوشتن نامه‌ای سرگشاده نیانداخته بود، مشکلاتی به مراتب عذیده و بغرنج‌تر که با جان و مال و معیشت مردم شهرم رابطه مستقیم داشته و دارد. چرا مشکلات دیله‌روز من رامجبور به نامه نوشتن نکرده بود؟ چرا جنگل برای شهروند معمولی کردکوی مهم‌تر است؟ تعریف جنگل به لحاظ تاریخ و جغرافیا معنای خودش را دارد ولی اجازه بدهید جنگل کردکوی را تعریف کنم. به این اسامی محلی دقت کنید:

یتیم اه زغال انبار، پلنگ کرس، میانلنگه، اسماعیل جنی، سنگ معدن، بسته، مثنی مسیر، د اه آبشار، سه راه، ... این‌ها به معنای واقعی کلمه، حس نوسالژیایی در خودش دارد که هر شهروند کردکویی در هر مکان و زمانی باشد، برای لختی از بند مشکلات زمان حالش رها می‌شود. یک طفل کردکویی بعد از تولد، اولین جایی که با پدر و مادرش می‌رود تا یک دوری بزند، پارک جنگلی‌ست. شاید ما مثل مسیحی‌ها مراسم غسل تعمید نداریم، یا مثل سرخ پوست‌ها مراسم نام‌گذاری در طبیعت برای بچه‌هایمان نداشته باشیم ولی، ناخودآگاه اولین چیزی که می‌خواهیم با نسل بعدی‌مان به اشتراک بگذاریم همین جنگل است. جنگل به عنوان کهن الگویی باستانی در ژن ما وجود دارد حتی اگر فرزندانمان در کویر هم به دنیا بیایند و هیچ وقت جنگل را ندیده باشند باز هم یقینا در کابوس‌هایشان از پوست درخت انجیلی در گرگ و میش جنگلی می‌هراسند. قطعا در رویاهایشان، بوی خاک نم‌دار جنگل را استشمام می‌کنند؛ تصویرشان از آسمان، ابرهایی‌ست که از پشت برگ سبز درختان پیداست. شهروند نمونه کردکویی کیست؟شهروند ابتدا به ساکن معمولی است، شهروند معمولی اصولا کسی است که، اول از همه در کودکی به مدرسه می‌رود (مهم نیست موقع انفجار جمعیت کشور است و سطح مدارس در حداقل خودش قرار دارد) مشق می‌نویسد، بازی می‌کند و به اردو می‌رود. اردوی مشترکی که همه‌ی بچه‌ها رفته‌اند، جنگل بوده. جذاب‌ترین مقصد در کودکی‌شان باز هم همان جنگل و بازی در میان قله‌و سنگ‌های رودخانه‌هاست، جنگل همواره نهایت تفریح ما در بچگی بوده. شهروند نمونه شهر ما به سن نوجوانی که می‌رسد، اولش با دوچرخه، بعشش هم با موتور دوست دارد به جنگل برود. اگر هم ورزشکار بشود دوست دارد مثل راکبی پالمو سربالایی جنگل را بدود. یا مثلا تابستان‌ها تا یتیم ایا یا آبشار برود و آبی بر تن بزند، روزی ده بار هم این مسیر را بالا و پایین برود باز خسته نمی‌شود. بزرگتر که می‌شود، الان اسمش شده کمپ، یاد می‌گیرد چطور با گروه‌های دوستانه خود چند شبی را بدون دخالت والدین به صورت پیشاهنگی به صبح برسانند. شهروند

نمونه کردکویی فکر می‌کند که از دوچرخه و موتور راندن یا شب را بیرون از خانه خوابیدن لذت می‌برد، ولی نمی‌داند این جنگل است که او را کم‌کم در خودش حل می‌کند. شهروند معمولی در طول مسیر همزیستی‌اش یقینا آسیب‌هایی به جنگل می‌زند ولی جنگل از پس این هزینه‌ها برای آموزش فرزندان خودش بر می‌آید، اصلا جنگل عاشق این است که شهروندانش به واسطه او رشد کنند، چون یقین دارد در آینده همین شهروندان به حامیان پر پا قرص‌اش بدل خواهند شد که طاقت دیدن یک فیلتر سیگار در خاکش را هم ندارند، والدین شهروندانی خواهند شد که سنگی را جابجا نخواهند کرد مبادا در چرخه‌ی زیستی کرم‌های زیر سنگ خللی ایجاد شود، همه این‌ها همزیستی مسالمت آمیز شهروند با جنگل است اگر، ... اگر امرار و معاش مردم از سر ناچاری بریدن چوب باشد، اگر گله را از داخل جنگل به بیلاق بردن باشد، باز هم جنگل از پس هزینه‌ی بازیابی خودش برمی‌آید. جنگل برای نیاز اهالی‌اش از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند چون با در اختیار قرار دادن وجودش با کمک به اقتصادش به فرهنگ سازی در آینده امیدوار است. همه چیز می‌تواند درست پیش برود مادامی‌که، قاچاقچیان قانونی با سیمان و میل گرد جاده‌های مال‌رو می‌سازند و قاطرهایشان را وارد مناطق بکر می‌کنند، (البته خلا رو شکر در تنفس ده ساله حضور داریم) مادامی‌که آقازاده‌هایی پیدا می‌شوند و در دل جنگل مرغزاری می‌زنند. جنگل ما آگاه است، می‌فهمد که این‌ها به خیر شهروندان‌ش نیست، چه بسا اگر بود، جنگل تلب می‌آورد ولی وقتی می‌بیند اهالی‌اش نه از سر تفن بلکه بر حسب نیاز میوه‌ها و پرندگان و جانوران را شکار می‌کند، ولی آقایان جوهره جنگل را به یغما می‌برند، قهرش می‌گیرد.

نه کودک و نه پیر، هیچ کلام ارزشی ندارند جز پله نردبان شدن برای بالا رفتن میهمانان دو روزه میز ریاست این شهر. شهروند کردکویی برای خرید از بازارچه ساحلی (بندرترکمن هم دیگر دریا ندارد) بندرترکمن ورودی می‌دهد، ولی خودش طبیعتش را رایگان در طبق اخلاص گذاشته، این قدر این بی‌نماینده‌ی برای شهرمان عادی شده که کار از هفت‌تیر کشیدن قورباغه‌ها هم گذشته. اینقدر گوش‌هایمان کش آمده که، کم مانده به عنوان چوب‌برهای جنگلی از ما استفاده کنند. پلاک‌های شهرداری با تاریخ فعالیت این شهردار را روی پارک شهر، روی بهشت رضوان (قبرستانی) روی برج آسمان، (منبع آب) و .. دیده‌اید؟ هر کس نلاند فکر می‌کند شهر ما ده‌کوره‌ای بوده و این شهردار در طول فعالیتش آن را شهر کرده. ولی آقای شهردار محترم، فکر نکن با اهالی منزوی و مطرودی مواجه هستی و هر کاری دلت بخواهد انجام بدهی و از دید ما هم پنهان مانده! خیر، شهروند کردکویی نمونه حق ندارد دم بزند، چون حرفش لا به لای هزارتوی بروکرسی‌های فشل سیستماتیک ادارات شما و نهادهای بالادستان گم می‌شود. آقای شهردار از گهی به میخ و گهی به نعل زدن‌هایت توهم زرنگی و سیاستمداری برت ندارد. فکر نکن سکوت طویل المدت شهروندان نمونه کردکویی از سر نفهمی‌شان است، خودت را مرعوب بارگذاری اخبار کاسه لیسان و مگسان دور خودت نبین، این شهر به جایش برسد هم شهروند پویا دارد و هم شهردار شجاع و انتقادپذیر و کاربلد. فقط داستانی که هست، داستان ارائه اخبار در جهان پروپاگاندایی رسانه‌های شماسنت، داستان همان جنگ با سلبریتی‌های احمق در سطح کلان و کاسه‌لیسان در سطح خردش است. شهروندان نمونه دیگر نه ابزارش را دارند و نه توان ایستادگی‌اش را. آن‌ها متاسفانه، از عزیزترین چیز زندگی‌شان



یعنی از خودشان گذشته‌اند. فقط از شانس بد ما، این روزها نه تنها آب سربالا می‌رود بلکه بازار هفتگی هم گویا سربالا رفته بود. می‌دانید چرا شهروندان نمونه آگاه‌بعد از شنیدن انتقال بازار هفتگی به مسیر جنگل دست به کار شدند؟ ولی در مقابل قطعی‌های بی‌انصافانه شما اعتراضی نکردند؟ از آلمان‌های میادین شما انتقاد نکردند؟ از درصد عوارض خرج نشده بابت کتاب‌خانه و فضای باز و محیط ورزشی لب به اعتراض نگشوند؟ چون شهروند نمونه به این باور رسیده که وضعیت رو به خرابی‌ست و از دست کسی هم کاری بر نمی‌آید. دومینوی انتقاد در مملکت ما طوری است که اگر از کارمند دون اداره‌ای انتقاد داشته باشیم، به آسانی با فرافکنی مسئولین برای یافتن مقصر تاراس قدرت حکومت هم می‌توانیم بالا برویم. بیاییم نمادهای شهری را بررسی کنیم؛ فلکه اول که به عنوان قدیمی‌ترین فلکه شهرستان کردکوی محسوب می‌شد چه اتفاقی برایش افتاد؟ اینقدر کوچک شد که تبدیل به پایه تیر چراغ قرمز شد، فلکه‌ی دوم؛ فلکه‌ی کوچکی که بزرگ شد. با چه المانی؟ آلمان مجرم گویا قرار بود برای محرم از این آلمان پرده برداری کنند و بعد از ایام محرم و صفر آلمان دیگری بارگزاری کنند. آلمان‌های میدان شهرمان را بر چه اساسی انتخاب می‌کنید؟ مثلا میدان عباس آباد یک نفر بیاید برای من توضیح بدهد میدان عباس آباد چه ربطی به کودکی که از نردبان بالا می‌رود دارد؟ شهر من چه ربطی به این آلمان دارد؟ (بیشتر شبیه عکس‌های بازی استوریت است.) اصلا تعریفی از آلمان‌های شهری دارید؟ چه طور نام قدیمی محله‌هایمان را نابالوگناری کردید و کار بسیار پسندیده‌ای هم بوده ولی،

منبع آب را برج آسمان می‌نامید و پلاک شهرداری با تاریخ حضور خودتان بر آن می‌کوبید؟ نکنند منبع آب را هم شما ساختید؟ پارک شهرداری را هم قفس کردید و پلاک شهرداری به تاریخ خودتان زدید. نماد مسخره و منشوری میل را دکان را که از شاهکارهای همکاران گذشته‌تان بوده را کوچک می‌کنید و به سه راه جنگل انتقال می‌دهید و به جایش برج ساعت می‌گذارید؟ هلفتان از این آلمان کپی شده ساعت چیست؟ بیاییم با خوندان رو راست باشیم، وقتی می‌گویم انسان مدرن انسان بی‌قصه است، برای کشور ما یک مشکل بزرگتر وجود دارد و آن هم معضل بی‌قهرمانی است. وقتی شهردار می‌شود باید خرد و زیرکی خود را در اینجور جاها نشان دهد. من نمی‌دانم چه باور غلطی بین مسئولین افتاده که اگر انتقاد ما به چیزی باشد که به مسائل دینی و اخلاقی مربوط باشد، حق بازگویی نداریم. این القاب دکتر، مهندس که پیشوند نام مسئولین می‌آید بالاخره کجا می‌خواهد به کار بیاید؟ به قول خاور میلی که می‌گوید: اگر با چاپ پول می‌شد فقر را ریشه کن کرد، با چاپ مدرک هم می‌شد بی‌سوازی را از بین برد. اگر کردکویی نیستید ایرادی ندارد کردکوی را بشناسید. آلمان شهر ما میدان ساعت است؟ دروازه قرآن در کل کشور متعلق به یک شهر است و آن هم شیراز است، کردکوی را چه به آلمان دروازه قرآن؟ چرا سیاست فرهنگ سازی اینقدر زورچپانی و باله‌جان دور قاب چینی است؟ چرا دنبال کهن الگوهای شهری نمی‌روید؟ چرا به قصه طایفه‌ها گوش نمی‌دهید؟ چرا زیست بوم شهری را نمی‌شناسید؟ چرا بابت اشاعه فرهنگ درست شهر تلاشی نمی‌کنید؟ چرا اداره ارشاد را تا این اندازه حقیر و بی‌انجمن کرده‌اید؟ چرا کسائی که دلسوزانه برای فرهنگ شهر از وقت و انرژی خودشان می‌گذاشتند را به این آسانی از خود تاراندید؟ چرا شهرداری باید پروژه‌هایی را به نام خودش تمام کند که حاضر و آماده‌ست، چرا وارد فعالیت‌های پایه‌ای و زمان‌بر نمی‌شود؟ چرا باید کاری باشد که حتما جلوی چشم باشد. مسئولین ما شده‌اند ضعیف‌النفسان دوربینی، دوربین را که می‌بینند دین و ایمان و وظیفه‌شان را پاک از یاد می‌برند، یکی از کارهای شهرداری همین است که فعالیت‌های درشت شدمش را بنر کند و جلوی شهرداری بچسباند، اگر دیوار نداشت، دارست علم می‌کند. چرا؟ چون رزومه می‌خواهد، که با لگد کردن گرده‌ی شهروندان نمونه این شهر به میز ریاست شهروندان نمونه در شهر بزرگتری برسد. وگرنه کلام پروژه چشم انداز بلند مدت داشت؟ امید به زندگی در دل شهروندانی روشن می‌شود که مسئولش پروژه‌ای را بنا کند که عمر خلعتش کفاف بازدهی‌اش را ندهد. اگر کمی قصه‌می‌دانستید، قصه فانت قصه گناباد برای همه مسئولین، منشور کوروش می‌شد. انتقال نابخردانه بازار هفتگی به مسیر جنگلی یک هشدار برای مسئولین شهرداری بود، از فرماندار و شهردار و دادستان تا استان‌دار و نماینده (همواره اقلیت) محترم مجلس شهروند نمونه بابت زندگی اجتماعی و سر شدگی مزمن دیگر بابت سر کار بودن اقلیت‌ها در ادارات و مراکز دولتی مربوط به خودش نمی‌تواند دم بزند. از تجربه شخصی خودم بگویم، برای مثال سری به سایت استانداری بزنید و در طول چهار سال گذشته، کارمندانی که با نام فامیلی زنگانه استخدام شدند را بررسی کنید، حالا آشنایان دیگر با فامیلی‌های متفاوت بماند. شهروند نمونه وقتی توزیع فراگیر بی‌عدالتی در سطح بالاتر را که می‌بیند زورش به اعتراض و حق طلبی نمی‌رسد. بالایی که بی‌برقی، بی‌آبی، گندم‌های بی‌کیفیت، سوءمدیریت‌های آموزشی و درمانی و خلمامتی و رفاهی و فرهنگی و کشاورزی و آبخیزداری و ... بر سر مردم آورده قابل قیاس با انتقال بازار هفتگی به جنگل نیست ولی ... ولی جنگل ما هویت ماست، فریاد درد مشترک ماست، صندوقچه اسرار ماست و از همه مهمتر، قصه ماست. ما شهروندان نمونه تولید کننده برق که کمترین برق کشور را استفاده می‌کنیم، (قطع به یقین بیشترین قطعی برق را هم داریم) نه انتظار داریم قهرمانان ورزشی ما را بشناسید و نه اشعار و لالایی‌های فولک ما را زنانه کنید، نه سردیس بومیان شهر را بسازید و نه برای جوانان ما امنیت رفاهی مهیا کنید. ما شهروندان پر مصرف همیشه بابت به زحمت افتادن مسئولین و خانواده‌های عزیزشان عذر خواهیم به قول برشت: دولت اعتماد خود به مردم را از دست داده است. انشالله مسئولین هرچه زودتر به این تصمیم برسند که: مردم را منحل کنیم، تا دولت مردم دیگری را انتخاب کند. فقط به جنگل ما کار نداشته باشد. باتشکر

یک شهروند نمونه کردکویی

خورخه لوئیس بورخس: آینه‌ای از شرق در دل ادبیات غرب



سید مهدی جلیلی

خورخه لوئیس بورخس (Jorge Luis Borges)، نویسنده، شاعر و متفکر آرژانتینی، یکی از چهره‌های برجسته ادبیات قرن بیستم است که آثارش مرزهای میان فلسفه، ادبیات، عرفان و ریاضیات را در هم شکست. او در ۲۴ اوت ۱۸۹۹ در بوئنوس آیرس متولد شد و در ۱۴ ژوئن ۱۹۸۶ در ژنو چشم از جهان فرو بست. بورخس با ذهنی جهانی، از فرهنگ‌های مختلف الهام گرفت و آن‌ها را در قالبی نو بازآفرینی کرد؛ از کتابخانه‌های بابل تا کوچه‌های بغداد، از اشعار حافظ تا حکمت ابن سینا.

سبک ادبی: بازی با بی‌نهایت و روایت درون‌نگر

بورخس بیشتر به‌عنوان نویسنده داستان‌های کوتاه شناخته می‌شود، اما این داستان‌ها اغلب ساختاری فلسفی، نمادین و فراداستان یا فراروایت (metafictional) ^۱ دارند. آثار او مانند «الف»، «کتابخانه بابل»، «زاهیر» و «باغ راه‌های منشعب» نمونه‌هایی از این سبک‌اند؛ آثاری که خواننده را به بازاندیشی در خود فرآیند خواندن دعوت می‌کنند. او از زبان به‌عنوان ابزاری برای کشف حقیقت استفاده می‌کرد، نه صرفاً برای روایت. نثرش دقیق، موجز و پر از ارجاعات بین‌فرهنگی است. مفاهیمی چون زمان غیرخطی، واقعیت‌های موازی، هویت سیال، و بی‌نهایت ریاضی‌وار در آثارش بارها تکرار می‌شوند.

بورخس و شرق: شیفتگی به جهان‌های عرفانی

یکی از جنبه‌های مهم در آثار بورخس، علاقه ی عمیق او به فرهنگ‌های شرقی، به‌ویژه ایران، اسلام و ادبیات عرب است. برخلاف بسیاری از نویسندگان غربی که شرق را صرفاً به‌عنوان یک «دیگری» می‌نگریستند، بورخس شرق را بخشی از ذهن خود می‌دانست؛ منبعی برای الهام، تأمل و بازآفرینی.

آشنایی با قرآن و عرفان اسلامی

بورخس در کتاب هفت شب (Siete Noches)، که مجموعه‌ای از سخنرانی‌های فلسفی و ادبی اوست، به قرآن اشاره می‌کند و آن را نه تنها کتابی الهی، بلکه «یکی از صفات خداوند» می‌داند؛ همانند رحمت یا عدالت ^۲. او به مفهوم «ام‌الکتاب» در قرآن اشاره می‌کند و آن را نمونه‌ای از حقیقت متافیزیکی می‌داند که فراتر از زبان و تاریخ است. در ابتدای کتاب کتابخانه بابل (La Biblioteca de Babel)، بورخس آیه‌ای از سوره دخان را نقل می‌کند: «فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ» (سوره دخان، آیه ۱۰). این آیه، که به ظهور «دخان» به‌عنوان نشانه‌ای از عذاب الهی اشاره دارد، در متن بورخس به‌عنوان نمادی از حقیقتی پنهان و فراگیر به‌کار رفته است.

نظامی گنجوی و ساختار نمادین

بورخس در مقاله‌ای درباره هفت پیکر نظامی، از ساختار نمادین و عرفانی آن تمجید می‌کند. او نظامی را شاعری می‌داند که توانسته عشق، فلسفه و اسطوره را در قالبی هنری و پیچیده بیان کند. در داستان

«باغ راه‌های منشعب»، ساختار روایی چندشاخه‌ای به‌نوعی یادآور روایت‌های تو در توی نظامی است.

خیام، حافظ و نگاه به زمان

بورخس در مقاله «عمر خیام و فیتزجرالد» (Omar Jayam y Fitzgerald) که در کتاب Inquisiciones آمده، به ترجمه رباعیات خیام توسط پدرش، خورخه گی‌رمو بورخس، اشاره می‌کند. این ترجمه‌ها در دهه ۱۹۲۰ در آرژانتین منتشر شدند و تأثیر عمیقی بر نگاه بورخس به فلسفه زمان و مرگ داشتند. در داستان «زاهیر»، مفهوم وسواس ذهنی و حقیقت مطلق، به‌نوعی یادآور رباعیات خیام است که در آن انسان در برابر بی‌نهایت هستی سرگردان است. همچنین در مقاله ی «سیمرغ و عقاب»، بورخس از تمثیل سیمرغ در آثار عطار بهره می‌برد و آن را نمادی از وحدت وجود و جستجوی حقیقت می‌داند. در ترجمه فارسی داستان «الف» (ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی)، اشاره‌هایی به حافظ دیده می‌شود؛ جایی که بورخس از «نقطه‌ای که همه جهان در آن جمع است» سخن می‌گوید، مفهومی که با بیت حافظ: «در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد / عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد» هم‌خوانی دارد.

شرق به‌مثابه ذهنی فلسفی

برای بورخس، شرق صرفاً جغرافیا نبود؛ بلکه یک جهان‌بینی بود. جهانی که در آن: - حقیقت چندلایه و نسبی است - زمان خطی نیست، بلکه دایره‌وار یا منشعب است - انسان در جستجوی معناست، نه صرفاً پاسخ او در آثارش از ساختارهای روایی شرقی بهره می‌برد؛ مثل داستان‌های هزار و یک شب، حکایات صوفیانه، و تمثیل‌های قرآنی. این ساختارها به او امکان می‌دادند تا مفاهیم پیچیده را در قالب‌هایی ساده اما عمیق بیان کند.

مروری بر دو پژوهش

شاهین پیشبین (Shaahin Pishbin) و تابریزو بوسکالیا (Tabrizio Boscaglia) دو پژوهشگری هستند که درباره این ارتباط بورخس، تحقیقات جدی انجام داده‌اند. شاهین پیشبین پژوهشگر و مترجم ایرانی تبار است که در زمینه ادبیات فارسی و تاریخ فرهنگی ایران‌زمین فعالیت می‌کند. او دانش‌آموخته رشته مطالعات شرقی از دانشگاه آکسفورد و دکتری از دانشگاه شیکاگو است. مقاله ی «بورخس و ادبیات فارسی»؛ (Borges and Persian Literature) از آثار شناخته‌شده ی اوست. مقاله‌ای منتشرشده در کتاب Borges in Context (انتشارات دانشگاه کمبریج، ۲۰۲۰) که به بررسی تأثیر ادبیات فارسی بر آثار بورخس می‌پردازد. پیشبین نشان می‌دهد که چگونه تصاویر و مفاهیم ایرانی مانند سیمرغ، بلبل، و شطرنج زندگی در آثار بورخس بازتاب یافته‌اند. او همچنین به نقش ترجمه رباعیات خیام توسط پدر بورخس اشاره می‌کند و تحلیل می‌کند که چگونه بورخس از این عناصر برای کاوش در مفاهیم متافیزیکی بهره می‌برد. تابریزو بوسکالیا پژوهشگر و استاد فلسفه اهل تورین ایتالیا است که در دانشگاه لوسوفونا در لیسیون تدریس می‌کند. او دکترای فلسفه خود را از دانشگاه لیسیون با رساله‌ای درباره ی «حضور اسلام در آثار فرناندو پسوا» دریافت کرده است. مقاله ی «پسوا، بورخس و خیام»؛ (Pessoa, Borges and Khayyam) از جمله آثار مهم اوست. مقاله‌ای منتشرشده در مجله Variaciones Borges که به بررسی ارتباطات فکری میان فرناندو پسوا، بورخس، و خیام می‌پردازد. بوسکالیا فرضیه دیدار احتمالی بورخس و پسوا در لیسیون را مطرح می‌کند و نشان می‌دهد که رباعیات خیام، به‌ویژه در ترجمه فیتزجرالد، چگونه

داستانک جهان

بورخس و من

خورخه لوئیس بورخس

مترجم: ملیحه دادرس

Borges and I

It's Borges, the other one, that things happen to. I walk through the streets of Buenos Aires and stop for a moment—perhaps mechanically—now and then to look at the arch of an entranceway and the grillwork on a gate; I know of Borges from the mail and see his name on a list of professors or in a biographical dictionary. I like hourglasses, maps, eighteenth-century typography, the taste of coffee, and the prose of Stevenson; he shares these preferences, but in a vain way that turns them into the attributes of an actor. It would be an exaggeration to say that ours is a hostile relationship; I live, I let myself go on living, so that Borges may write his literature, and this literature justifies me. I do not know which of us is writing this page —Translated by James E. Irby—

ترجمه:

این «بورخس دیگر» است که اتفاق‌ها برایش می‌افتد. من در خیابان‌های بوئنوس آیرس قدم می‌زنم و گاهی—شاید از روی عادت—مکت می‌کنم تا به طاق یک ورودی یا نرده‌های یک در نگاه کنم؛ از بورخس از طریق نامه‌ها باخبر می‌شوم، اسمش را در فهرست استادان یا در فرهنگ‌نامه‌ها می‌بینم. من به ساعت شنی، نقشه‌ها، تایپوگرافی قرن هجدهم، طعم قهوه و نثر استیونسون علاقه دارم؛ او هم همین علاقه‌ها را دارد، اما به شکلی خودنمایانه که آن‌ها را به ویژگی‌های یک بازیگر تبدیل می‌کند. اغراق است اگر بگویم رابطه‌مان خصمانه است؛ من زندگی می‌کنم، خودم را رها می‌کنم تا بورخس بتواند داستان‌هایش را بنویسد، و همین نوشتن است که به من معنا می‌بخشد. نمی‌دانم کدام‌مان این صفحه را نوشته است.

در آثار هر دو نویسنده حضور دارند. همچنین به ترجمه‌های پدر بورخس از خیام و تلاش‌های پسوا برای انتشار نسخه پرتغالی رباعیات اشاره می‌شود.

بورخس، پلی میان شرق و غرب

خورخه لوئیس بورخس نویسنده‌ای بود که توانست میان شرق و غرب، میان فلسفه و ادبیات، و میان واقعیت و خیال، پلی بزند. او با ذهنی باز، از فرهنگ‌های مختلف الهام گرفت و آن‌ها را در قالبی نو بازآفرینی کرد. نگاه او به ایران، اسلام و ادبیات عرب نه تنها احترام‌آمیز، بلکه عمیق و فلسفی بود. در جهانی که مرزهای فرهنگی گاه مانع گفت‌وگو می‌شوند، بورخس نمونه‌ای است از اینکه چگونه می‌توان با زبان ادبیات، جهانی مشترک ساخت؛ جهانی که در آن حافظ و خیام در کنار شکسپیر و دانته می‌نشینند، و قرآن در کنار انجیل و اوپانیس‌ها خوانده می‌شود.

پاورقی‌ها:

۱. متافیکشنال (metafictional): اصطلاحی در نظریه ادبی که به آثاری اطلاق می‌شود که آگاهانه درباره خود فرآیند داستان‌گویی صحبت می‌کنند؛ مثل داستانی که شخصیتش می‌داند در داستان است. در فارسی، معادل‌هایی چون: فراداستانی، فراروایتی، خودارجاعی در داستان، داستان‌نگاری آگاهانه را برای آن می‌توان برشمرد. این واژه در نقد ادبی مدرن، به‌ویژه در ادبیات پست‌مدرن، کاربرد زیادی دارد. نویسندگانی مثل خورخه لوئیس بورخس، کورت ونه‌گات، و جان فاولز از تکنیک‌های متافیکشنال بهره برده‌اند.
۲. برگرفته از سخنرانی بورخس در کتاب Siete Noches، بخش مربوط به قرآن.
۳. آیه دخان در ابتدای کتاب Biblioteca de Babel آمده است.
۴. مقاله «The Simurgh and the Eagle»، در مجموعه Other Inquisitions.
۵. مقاله «Omar Jayam y Fitzgerald»، منتشرشده در Inquisiciones. و ترجمه رباعیات خیام توسط پدر بورخس در مجله Proa.



داستانک

بی ته و سر



فرزاد خدنگ، گرگان

داستانک آیات

استان گلستان در سال ۱۳۹۹، طراح و میزبان نخستین جشنواره ملی داستانک قرآن و عترت بود. داوران این جشنواره، نویسندگان نام‌آشنا؛ ابراهیم حسن‌بیگی، عبدالصالح پاک و محمدجواد جزینی بودند و سید

مهدی جلیلی دبیر علمی جشنواره بود. برخی از آثار این جشنواره در همین ستون تقدیم خوانندگان می‌شود.

فرصت

محمدحسن مردانی/اصفهان

تاکسی پشت چراغ قرمز ایستاده که پسری خردسال، دستمال به دست، مشغول پاک کردن شیشه‌ها می‌شود. رائنده سرش فریاد می‌کشد:

که در میان همه ایزدان خدای غمم کتاب عشق تو یک آن، به دست من افتاد مرا به خواندن خود خواندی از ورای غمم سفر رسید بسنجد عیار عاشق را سفر رسید و به جای تو پا به پای غمم... پرید شاپرک عطر تو شتاب‌زده ز شانه های منی که پر از هوای غمم و کاش فاصله از بین‌مان بلند شود چه قدر جاده لجوج است در فضای غمم غم نبودن تو جانشین بودن توست مراقبم ننشیند کسی به جای غمم بیا به شعله بسوزان میان آغوش مرا که یخ زدم از سردی ردای غمم بیا که آمدن تو شروع زندگی است بیا! بیا که نمیرم در انزوای غمم...

فریادِ دانه‌های انگور



میترا آزاد راد، گرگان

زندگی،

هر روز،

له‌له‌زنان

در تاریکی صبح از پیش چشمانم می‌گذرد، و با آواز پرنده‌ای پنهان در دوردست‌ها صدایم می‌کند...

زندگی، با صبح آغاز می‌شود، با عبور زنی تنها از کوچه‌ها، با مرور خاطراتِ دیروز...

و شاید، روزی

زندگی را

در سینه‌ام کاشته

چون درختی مو،

که دانه‌های پنهان انگور

در لابه‌لای برگ‌هایش

کرم بودن خیلی خوبه، ساکت، آرام، سر به زیر، خاکی... اما یه کرم هیچ‌وقت نمیتونه ببینه، برای همین یا برعکس مسیرش رو میره یا برعکس برعکس مسیرش. عقب و جلو نداره. خیلی ساده. اما سختی ماجرا اونجایی بود که یک گنجشک منو به عنوان یه کرم برای ناهارش انتخاب کرد. گنجشک که خیلی گرسنه بود

سعی کرد منو سریع بخوره اما صدایش زدم و بلند گفتم: «لطفاً طوری منو بخور که دردم نگیره، سریع کارم تموم بشه، مثلاً از سرم.» گنجشک که با انصاف به نظر می‌رسید چپ‌چپ به من نگاه کرد و چند لحظه به سر و ته من یا ته و سر من خیره شد. بعد پرید رفت.

را در هم می‌کشد و با غیظ، در صورت مرد تشر می‌زند که: «می‌خواهی بگی حرفای ما، همش کشکه، هان؟» مسافر لبخند می‌زند و بدون آنکه پاسخی بدهد، با انگشت به گوشه‌ی پیاده رو اشاره می‌کند. مسیر انگشتش را دنبال می‌کنیم. پشت شیشه‌ی بانک، با خط درشت نوشته: «هر پنج هزار تومان، یک فرصت برای برنده شدن!»

جز دامن تو نیست مکانی، گزینهام آقا، عنایتی به منِ روسیاه کن مثل گیاه بی‌ثمر، روی چینهام هر زائری به خاک دُرت سر نهاده است عمری گدای خانه تو، پُر ز پینه‌ام در صحن انقلاب، دلم شور می‌زند آرام کن به کرب‌ویلا قلب و سینه‌ام

آرام آرام آغاز می‌شوند... خوشه‌های رسیده‌اش را در سینی امروز گذاشته

یا چون شرابی کهنه، آن را بنوشم...

اما

می‌دانم روزی،

چون بادکنکی رنگی

در دستام

خواهد ترکید؛

و من می‌مانم و

طنین صدایش،

و تصویرِ لرزان

در خیالِ خاموشم...

زندگی،

فریادِ دانه‌های انگور

زیرِ دندان‌های زردِ پاییزاست.

در سوگ حضرت ثامن الحجج (ع) در صحن انقلاب، دلم شور می‌زند



عبدالعلی دماوندی، گرگان

هر صبح و شام، دستِ ارادت به سینه‌ام من زائرِ مسافرِ شهرِ مدینه‌ام آنجاکه جن و انس و ملک صف کشیده‌اند در بارگاهِ قدسی آن‌ها کمینه‌ام او از تبارِ کاظم باب‌الحوائح است مرآت حق، چراغ هدایت، سفینه‌ام پشت سرِ مسافرِ حق اشکِ خون بریز گفتش که من شهیدِ دم ظلم و کینه‌ام از تشنگی اهل حرم رنج می‌برم من غصه‌دارِ دلهره‌های سکینه‌ام بر خاکِ حجره سر بگذارم و جان دهم مانند جِدِ خویش، تک و بی‌قرینه‌ام من آهویِ رمیده دستِ غم و همم

۱ عشق است و جواب قلب، دندان شکن است امروز نبرد من و تو تن به تن است عمری ست مهاجر نگاهت شده ام افسوس که چشم های تو بی وطن است

۲ ای کاش که در تنور تو جان بپزم از ابر تو در کویر ، باران بپزم ای کاش که روزگار کاری بکند با گندم چشم های تو نان بپزم

۳ افتاده به دست پادها پیکر برگ بی وقفه به شیشه می خورد سنگ تگرگ من مانده ام و تو رفته ای از دنیا کاری ست که از کار گشته ای مرگ

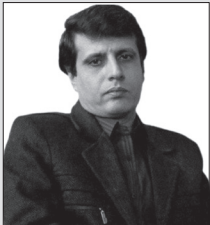


یادداشت

به بهانه ۴ شهریور، سالگشت درگذشت

مهدی اخوان ثالث

ارجاع به قرینه های بافتی - گفتمانی
آیا شعر زمستان اخوان ثالث
یک شعر بدون قرینه است؟

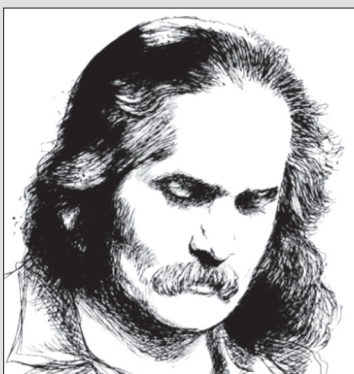


سیناچهانیدیه

برخی معتقدند شعر «زمستان» اخوان در روایت، صرفاً توصیف سرما و زمستان است و شاعر قرینه یا علاقه‌ای را نشان نمی‌دهد تا خواننده متوجه استعاره بودن این شعر شود. البته این مسئله را از ارزش‌های زیبایی‌شناختی این شعر تلقی می‌کنند. سؤال من این است: اگر قرینه و علاقه‌ای در شعر نیست، پس چگونه مخاطبان این شعر را نوعی شعر رمزی - سیاسی فهم کرده‌اند؟ درباره قرینه در این شعر، می‌توان به دو نوع «واقعیت‌زایی» و «خلق فضای دیگرگونه» اشاره کرد. اولین نوع آن، قرینه ساده و غیربافتی است: قرینه‌ای که در ساختار شعر پنهان است و خواننده باید آن را باز کند تا فرق استعاره و واقعیت را تشخیص دهد. در این شعر، حتی اولین کلمه «سلام» قرینه‌ای است تا نشان دهد که زمستان این شعر، زمستان طبیعت نیست و شاعر از فضای زمستانی سیاسی حکایت می‌کند. اما قرینه بافتی چیست؟

قرینه بافتی، فضایی است که گفتمان می‌سازد؛ چنان‌که همه شاعران و هنرمندان به این قرینه‌ها تکیه می‌کنند. این‌که «شب»، «بیمارستان»، «زنان» و... استعاره از «استبداد» باشد، یک قرینه بافتی گفتمانی است. این نوع قرینه را شعر سیاسی ایران بعد از مشروطه به‌وجود آورد و در دهه پنجاه اوج گرفت. اخوان ثالث در واقع به این قرینه‌های بافتی ارجاع می‌دهد و خواننده آن عصر به راحتی می‌فهمید که مثلاً شعر «باغ بی‌برگی» استعاره از چیست یا «زمستان» استعاره از چه فضایی است. متأسفانه ارجاع خوانندگان شعر معاصر به قرینه‌های بافتی گفتمانی باعث شده است که بسیاری از خوانندگان، حتی شعرهای غیرسیاسی را سیاسی بفهمند. در واقع، این نوع قرینه‌سازی منجر به نوعی ساخت کلیشه‌ای در تأویل و فهم می‌شود. بنابراین، یکی از عواملی که باعث شده است تا خوانندگان عمومی شعر معاصر نتوانند شعر دهه هفتاد را بفهمند، در واقع «عادت‌واری ارجاع به قرینه‌های بافتی - گفتمانی» است.

زیرا خوانندگان عادت کرده به شعرهای رمزی - سیاسی، هر کلمه را با قرینه سیاسی باز می‌کنند. از این‌رو، وقتی شاعر می‌گفت «شب»، «پنج‌ره» و «کبوتر» به یاد «استبداد» و «آزادی» می‌افتادند. این رمزافزینی نه تنها هنری نبود بلکه بیشتر از سمبولیستی می‌گوید که زاده سانسور بود. در حالی که هدف شعر سمبولیسم این نبود که از سانسور اجتماعی عبور کند. سمبولیسم در واقع می‌خواست از سانسوری عبور کند که در ناخودآگاه زبان است؛ بنابراین دوباره زبان را آشفته می‌کرد تا چیزهای دیگرگونه و غریبی از آن زاده شود.





نکنه دوم این که در میان ترکمن ها سه امام زاده به لحاظ قربایت مکانی و جغرافیایی بیش از دیگر امامزادگان از احترام ویژه ای برخوردارند. قرانگهی امام، آق امام و قیزیل امام. قرانگهی امام همان امامزاده یحیی بن زید بن علی بن حسین است که در سه کیلومتری گنبدکاوس که روزگاری به علت تاریک بودن و نداشتن روشنایی که در خرابه های شهر جرجان قرار داشت. قرانگهی امام می گفتند. آق امام همان امامزاده واقع در آزادشهر نزدیک روستای قزلجه آق امام است که به علت داشتن نور و روشنایی و سفید کاری شده در میان ترکمن ها به آق امام معروف است. سومین قیزیل امام است که ترکمن ها به علت گنبد طلایی رنگ بارگاه حضرت امام رضا(ع) به این نام می خوانند. باید گفت که ترکمنهای تربت جام تا سرخس و درگز و بجنورد تا آشخانه و از راز جرگان تا دریای نیلگون خزر همه مشتاقانه به زیارت حضرت رضا(ع) می روند. شوق اشتیاق دیدار و زیارت حضرت رضا(ع) در دل هر ترکمنی موج میزند. در میان روحانیون، طلاب و زوار ترکمن معمول است که قبل از ورود به بارگاه حضرت در مقابل درب ورودی ایستاده ختم صغیره میخوانند. بدین منوال ابتدا دو سوره ناس و فلق سپس سوره حمد و سه بار سوره اخلاص می خوانند و به نیت زیارت دو رکعت نماز نافله و آیاتی از کلام الله مجید را تلاوت می کنند. امام هشتم در میان ترکمن ها احترام خاص و ویژه ای دارد. باسواد و بیسواد بزرگ و کوچک و زن و مرد به زیارت امام رضا (ع) رفته به درگاهش طلب حاجت می کنند. قاریان ختم قرآن نثار روح آن امام می کنند. روحانیون شفاعت حضرت امام رضا (ع) را از خداوند متعال طلب می دارند. تازه دامادها و تازه عروس ها به زیارت امام رضا رفته، دعای حاجت می خوانند. جوانان دختر و پسر در شرف ازدواج مقصد و مراد خود را می طلبند. بیماران به نیت زیارت، شفاعت و بهبودی سر به آستان آن حضرت می آسایند. مصیبت دیدگان و غمخواران در غم از دست دادن نزدیکان خود با هدای سجاده یا نمازلیق به



امام رضا (ع) و ترکمن ها



امیر شیر توماق

در ابتدا به عنوان مقدمه باید گفت که در میان ترکمن ها چهار طایفه نسبت به دیگر طوایف پرشمار ترکمن مقدسند: مختوم، عطاایشان و سادات که یکی از اینان است. سادات از اعقاب دخت مبارک حضرت رسول اکرم(ص) فاطمه زهرا(س) و پسر عمو و داماد پیامبر، حضرت علی (ع) می باشد. ائمه معصومین از نسل مبارک ایشان هستند. علما و فضایی ترکمن به همه اهل بیت به دید ارادت و اکرام و احترام می نگرند. امامان جمعه هر هفته و همیشه از امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به عنوان سید جوانان بهشت یاد می کنند و هر هفته در خطبه نماز جمعه می خوانند که: هما سیدا شبان اهل الجنة والجنة ابی محمدالحسن و ابی عبدالله الحسین. یعنی این دو سید و جوان اهل بهشتند امام حسن و امام حسین(ع).

تأکید مدیران گلستان بر اصلاح قیمت گذاری کشاورزی

کرد. مدیرکل صنعت، معدن و تجارت گلستان، نیز خواستار توجه ویژه دولت چهاردهم به توسعه زیرساخت های شرق خزر شد. درویشعلی حسن زاده با اشاره به تحولات غرب خزر و اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه، اظهار کرد: گمرک اینچهبرون به دلیل همجواری با ترکمنستان و ظرفیت ارتباط با کشورهای اوراسیا، نیازمند توسعه زیرساختی است تا نقش مؤثری در تأمین کالاهای اساسی کشور ایفا کند. وی با اشاره به رشد چشمگیر تجارت گلستان با کشورهای اوراسیا طی دو سال اخیر، گفت: این استان رتبه نخست صادرات به قزاقستان و ۳۰ درصد از کل صادرات ایران به ترکمنستان را به خود اختصاص داده است. وی تأکید کرد با روان سازی شرایط گمرکی، گلستان می تواند نقش محوری در تجارت منطقه ای ایفا کند.

از این ظرفیت در دیپلماسی اقتصادی و توجه ویژه رئیس جمهور به توسعه سرمایه گذاری در حوزه ترانزیت شد. نورانی همچنین از مدیرعامل ایرنا خواست تا مسائل قیمت گذاری کشاورزی و موانع گمرکی اینچهبرون را به مقامات ملی منتقل کند. معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان، نیز بر لزوم رفع موانع گمرک اینچهبرون تأکید کرد و گفت: این گمرک می تواند به عنوان یک پلاندن غیرعامل برای واردات کالاهای اساسی عمل کند، اما بازرگانان با چالش هایی مواجه اند که باید برطرف شود. عبدالعلی کیانمهر افزود: گمرک اینچهبرون به دلیل امنیت بالا، فرصتی بی نظیر برای توسعه تجارت منطقه ای است و باید از این ظرفیت به طور کامل بهره برداری شود. وی همچنین بر جذب سرمایه گذاری ایرانیان خارج از کشور تأکید

در سال زراعی گذشته، گفت: این در حالی است که میانگین قیمت جهانی گندم در ۲۰ روز اخیر، هر تن ۵۲۰ دلار (معادل ۶۱ هزار و ۸۰۰ تومان به ازای هر کیلوگرم) بوده و این اختلاف قیمت، گلستان را از درآمدی بالغ بر ۱۵ هزار میلیارد تومان محروم کرده است. وی افزود: از درآمد حاصل از تولید گندم در استان، تنها یک سوم در چرخه بانکی گلستان باقی می ماند و مابقی از استان خارج می شود. نورانی خواستار بازنگری در سیاست های قیمت گذاری دولتی شد تا اقتصاد گلستان از این محدودیت رها شود. نورانی با اشاره به موقعیت استراتژیک گلستان در همسایگی کشورهای آسیای میانه با جمعیتی بالغ بر ۱۲۰ میلیون نفر، تأکید کرد: این استان، تنها مسیر ارتباطی این کشورها با دریا از طریق شرق خزر است. وی خواستار بهره گیری

مقامات گلستان در نشست با حضور مدیرعامل ایرنا، با انتقاد از قیمت گذاری دولتی محصولات کشاورزی که اقتصاد استان را تضعیف کرده، خواستار اصلاح این سیاست و توسعه زیرساخت های ترانزیتی شرق خزر به ویژه گمرک اینچهبرون شدند تا از ظرفیت های تجاری و استراتژیک این منطقه برای رونق اقتصادی و تجارت منطقه ای بهره برداری شود. به گزارش ایرنا، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گلستان در نشست کارگروه اقتصادی، اشتغال و سرمایه گذاری این استان با حضور حسین جابری انصاری، مدیرعامل ایرنا، اظهار کرد: اقتصاد کشاورزی محور گلستان به دلیل قیمت گذاری دولتی محصولات کشاورزی از رونق بازمانده است. علیرضا نورانی با اشاره به قیمت گذاری ۲۰ هزار و ۵۰۰ تومانی هر کیلوگرم گندم

«آگهی ثبتی»

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام میگردد به استناد ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف، تحدید حدود شش دانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام پنج دانگ مشاع از شش دانگ عرصه قطعه زمین مزروعی که مابقی آن وقف است به مساحت ۹۲۶۰ مترمربع دارای پلاک ۱۴۷ فرعی از ۱۵۶ اصلی واقع در اراضی معصوم آباد بخش ۳ حوزه ثبتی منطقه ۲ گرگان ملکی آقای علی اصغر سبزه فرزند علیرضا در ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ به آدرس گرگان- اراضی مزروعی معصوم آباد کدپستی ۴۹۱۱۱۱۱۱۱۱۱ به عمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاورى نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است میتواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار: دوشنبه، مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۳

سیدعیسی میر کاظمی - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف احمد نبویان - شناسه آگهی ۱۹۸۷۲۹۳

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام میگردد به استناد ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف تحدید حدود شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای پلاک ۲۶۴۹ از ۲۱۰ اصلی بخش ۳ ثبت ناحیه دو گرگان واقع در اراضی سرخسکلاته به مساحت ۲۵۵۸.۵۵ مترمربع بنام خانم ستاره مقصودلوراد و هاجر مقصودلوراد فرزندان علی اکبر ساعت ۱۰:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۵ در محل وقوع ملک واقع در گرگان اراضی سرخسکلاته به عمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاورى یا هر شخصی نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است میتواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک فوق الذکر به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار: دوشنبه ۱۴۰۴/۰۷/۰۳

سیدعیسی میر کاظمی - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف احمد نبویان - شناسه آگهی ۱۹۸۸۸۴۸

تمدید آگهی مزایده دو واحد آپارتمان تجاری آستان قدس رضوی

پیرو آگهی مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۲ بدینوسیله به اطلاع می رساند مهلت شرکت در مزایده دو واحد آپارتمان تجاری واقع در نیش سر خواجه ۱ تا مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۲ تمدید گردیده است. جهت کسب اطلاعات بیشتر از طریق مراجعه حضوری و یا با شماره تماس ۳۲۲۲۶۱۶۱ تماس حاصل فرمایید.

امنیت ساندویچ‌های سرد، خط قرمز سلامت شما در گرما!

غذایی در دمای ۰ تا ۵ درجه سلسیوس است تا از رشد میکروارگانیسم‌ها جلوگیری شود. همچنین، هر محصول غذایی باید دارای تاریخ انقضا و زمان مصرف ایمن مشخص باشد؛ به طور کلی، ساندویچ‌های سرد بهتر است حداکثر ظرف ۲۴ ساعت در دمای سرد نگهداری و مصرف شوند. برای اطمینان از ایمنی و کیفیت ساندویچ‌های سرد هنگام مصرف، رعایت نکات بهداشتی زیر توسط مصرف‌کنندگان اکیدا توصیه می‌شود: قبل از مصرف: همواره تاریخ تولید و انقضای درج شده روی بسته‌بندی را به دقت بررسی کنید و از نگهداری صحیح محصول طبق دستورالعمل اطمینان حاصل نمایید. پیش از هر چیز، ظاهر، بو و طعم ساندویچ را ارزیابی کنید؛ در صورت مشاهده هرگونه نشانه غیرعادی مانند بوی نامطبوع، تغییر رنگ، بافت نامناسب یا طعم نامطلوب، از مصرف آن جدا خودداری کنید. خرید خود را از فروشندگان معتبر که بهداشت محیط کار را رعایت کرده و از سیستم‌های نگهداری سرد مناسب بهره می‌برند، انجام دهید. همچنین، به بسته‌بندی محصول توجه کنید؛ بسته‌بندی‌های سالم، پلمپ شده یا دارای نوار ایمنی، احتمال آلودگی خارجی را به حداقل می‌رسانند. هنگام خرید و نگهداری: بلافاصله پس از خرید، ساندویچ را در یخچال نگهداری کنید و در صورت امکان، از لایه‌های محافظتی برای جلوگیری از تماس با آلودگی‌های احتمالی در یخچال بهره ببرید. برای کاهش زمان قرار گرفتن در معرض دمای محیط و کمک به خنک شدن سریع‌تر، مواد غذایی را به قسمت‌های کوچک‌تر تقسیم کرده و در ظرف‌های جداگانه نگهداری کنید. استفاده از ظروف در بسته و محکم، از تماس ساندویچ با آلاینده‌های محیطی جلوگیری می‌کند. همچنین، رعایت اصل عدم تماس مواد غذایی خام با پخته شده در یک فضای مشترک (آلودگی متقاطع) برای حفظ سلامت ضروری است. توصیه‌های ویژه برای سفر و گروه‌های حساس: هنگام سفر، از کیف‌های عایق مجهز به بلوک‌های سرد برای حفظ دمای مناسب ساندویچ‌ها استفاده کنید و در طول مسیر، مواد اولیه و آب سالم را از منابع معتبر تهیه نمایید. ساندویچ‌ها را در ظروف مقاوم در برابر ضربه و فشار نگهداری کنید. به ویژه برای کودکان و سالمندان که سیستم ایمنی ضعیف‌تری دارند، مراقبت بیشتری در نگهداری ساندویچ‌های سرد لازم است؛ وعده‌های غذایی را به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم کرده و زمان مصرف را کوتاه‌تر کنید تا خطر آلودگی به حداقل برسد. آموزش اعضای همراه در سفر در مورد اهمیت نگهداری سرد و تشخیص علائم فساد، گامی مهم در حفظ سلامت جمعی است.



به سرعت تکثیر می‌یابند. حتی در ساندویچ‌های سرد که تصور می‌شود ایمن‌تر هستند، اگر نگهداری آن‌ها بیش از حد تعیین شده یا در شرایط نامناسب محیطی صورت گیرد، خطر رشد و فعالیت این باکتری‌ها همچنان پابرجاست و می‌تواند کیفیت و ایمنی غذا را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. عوامل متعددی در تشدید خطرات میکروبی ساندویچ‌های

در راس امور قرار دارد. این امر با استفاده از مواد اولیه باکیفیت، تازه و عاری از آلودگی آغاز می‌شود. نگهداری صحیح مواد اولیه در شرایط ایده‌آل و حفظ مداوم زنجیره سرد (Cold Chain) که به معنای حفظ دمای پایین و مناسب در تمام طول مسیر از تولید تا مصرف است، از پایه‌های اساسی محسوب می‌شود. علاوه بر این، کنترل عوامل محیطی مانند نور،

صورت سرد سرو می‌شوند. تفاوت کلیدی این نوع ساندویچ‌ها با مدل‌های گرم، در عدم وجود یا محدودیت فرایند حرارتی مجدد قبل از مصرف است. این ویژگی، ضمن سهولت در آماده‌سازی، لزوم توجه ویژه به اصول بهداشتی و زنجیره سرد را برجسته می‌سازد تا از هرگونه فساد میکروبی جلوگیری شود. رعایت دقیق اصول بهداشتی در تمام مراحل، از تهیه

اهمیت ساندویچ‌های سرد در فصل گرما و ایام سفر غیرقابل انکار است.

سهولت حمل و نقل و نگهداری کوتاه‌مدت، آن‌ها را به گزینه‌ای ایده‌آل برای مسافران و

افراد تبدیل کرده است که به دنبال غذایی سریع و در دسترس هستند

سرد نقش دارند که درک آن‌ها برای رعایت بهداشت ضروری است. مهم‌ترین این عوامل، دمای نگهداری نامناسب است؛ گرمای بیش از حد یا نگهداری طولانی‌مدت در دمای اتاق، بستری ایده‌آل برای رشد سریع میکروب‌ها فراهم می‌آورد. کیفیت و تازگی مواد اولیه نیز تأثیر مستقیمی بر سطح خطر دارد؛ استفاده از مواد خام یا پخته‌ای که تاریخ مصرفشان رو به اتمام است یا کیفیت لازم را ندارند، میزان آلودگی احتمالی را افزایش می‌دهد. تماس با سطوح آلوده، ابزار غیر استریل، یا عدم رعایت بهداشت فردی توسط پرسنل تهیه و عرضه، از دیگر راه‌های ورود میکروارگانیسم‌ها به ساندویچ هستند. همچنین، بسته‌بندی نامناسب و عدم حفظ سرما در طول حمل و نقل، به ویژه در مسافت‌های طولانی، می‌تواند زنجیره سرد را مختل کرده و خطر رشد میکروبی را تشدید کند. برای اطمینان از ایمنی ساندویچ‌های سرد، رعایت دقیق معیارهای بهداشتی، به ویژه حفظ زنجیره سرد، حیاتی است. این زنجیره شامل نگهداری مواد

رطوبت و آلودگی‌های محیطی بر کیفیت مواد غذایی ضروری است. همچنین، توجه دقیق به تاریخ مصرف و برچسب‌گذاری صحیح محصولات، اطلاعات حیاتی را برای مصرف‌کنندگان فراهم می‌آورد تا بتوانند با اطمینان خاطر از ایمنی ساندویچ سردی که انتخاب می‌کنند، بهره‌مند شوند.

خطرات میکروبی و شرایط نگهداری صحیح

ساندویچ‌های سرد، با وجود سهولت و محبوبیتشان، به دلیل عدم گذراندن مرحله نهایی پخت، بستری مساعد برای رشد انواع باکتری‌های مضر فراهم می‌کنند. باکتری‌هایی مانند لیستریا مونوسیتوژنز، سالمونلا ای‌کولی، استافیلوکوکوس اورئوس و کلسترییدیوم پرفرنزئس، که هر کدام شرایط و سرعت رشد متفاوتی دارند، می‌توانند سلامت مصرف‌کننده را به خطر اندازند. نکته بسیار مهم این است که بازه دمایی ۵ تا ۶۰ درجه سلسیوس به عنوان دامنه دمایی خطرناک شناخته می‌شود، زیرا در این محدوده، اکثر میکروارگانیسم‌ها

تا مصرف، برای پذیرش و مصرف ایمن این ساندویچ‌ها حیاتی است. اهمیت ساندویچ‌های سرد در فصل گرما و ایام سفر غیرقابل انکار است. سهولت حمل و نقل و نگهداری کوتاه‌مدت، آن‌ها را به گزینه‌ای ایده‌آل برای مسافران و افرادی تبدیل کرده است که به دنبال غذایی سریع و در دسترس هستند. در شرایطی که امکان پخت یا گرم کردن غذا محدود است، ساندویچ سرد می‌تواند انرژی لازم برای فعالیت‌های روزانه را تأمین کند. با این حال، همین سهولت استفاده، چالش‌های بهداشتی خاص خود را به همراه دارد. خطرات میکروبی، به ویژه در دمای بالای محیط، حمل و نقل نامناسب و نگهداری طولانی‌مدت، این محصولات را به یکی از دغدغه‌های اصلی حوزه سلامت مواد غذایی تبدیل کرده است. بنابراین، رعایت دقیق اصول بهداشتی در تمام مراحل، از تهیه تا مصرف، برای پذیرش و مصرف ایمن این ساندویچ‌ها حیاتی است. برای تضمین ایمنی و کیفیت ساندویچ‌های سرد، رعایت ویژگی‌های بهداشتی و ایمنی

اهمیت رعایت بهداشت ساندویچ‌های سرد در فصول گرم و ایام سفر، مسئله‌ای حیاتی برای حفظ سلامت عمومی است. ساندویچ‌های سرد، برخلاف غذاهای پخته‌شده، فاقد مرحله نهایی پخت هستند به همین دلیل، این نوع محصولات در دسته غذاهای با ریسک میکروبی متوسط تا بالا قرار می‌گیرند و رعایت دقیق شرایط بهداشتی در تمام مراحل تهیه، نگهداری و توزیع آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به گزارش ایرنا زندگی، رعایت دقیق و بی‌کم‌وکاست استانداردهای بهداشتی در تمام مراحل زنجیره تولید، از تهیه مواد اولیه تا بسته‌بندی و نگهداری ساندویچ‌های سرد برای تضمین سلامت مصرف‌کنندگان امری ضروری و حیاتی است. به طور خاص، نگهداری این ساندویچ‌ها در دمای کنترل‌شده ۱ تا ۴ درجه سانتی‌گراد، به عنوان یک گام پیشگیرانه کلیدی، از رشد و تکثیر باکتری‌های بیماری‌زا جلوگیری می‌کند و کیفیت و ایمنی محصول را تا زمان مصرف حفظ می‌کند. مسئولیت حفظ سلامت غذا تنها بر عهده تولیدکنندگان نیست و مصرف‌کنندگان نیز نقش محوری در این فرآیند ایفا می‌کنند. هوشیاری و دقت نظر در هنگام خرید ساندویچ‌های سرد می‌تواند به طور قابل توجهی ریسک ابتلا به بیماری‌های ناشی از غذا را کاهش دهد. مهم‌ترین نکاتی که شهروندان باید به آن توجه کنند، شامل بررسی دقیق سلامت و یکپارچگی بسته‌بندی (بدون هرگونه پارگی، تورم یا تغییر شکل)، اطمینان از وجود شماره پروانه ساخت بهداشتی و تاریخ انقضا روی محصول، و مهم‌تر از همه، مشاهده نگهداری صحیح ساندویچ‌ها در یخچال‌های فروشگاه با دمای مناسب است. نادیده‌گرفتن هر یک از این شاخص‌ها می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری برای سلامت به همراه داشته باشد. این گزارش با هدف ارائه یک تصویر جامع از اهمیت بهداشت ساندویچ‌های سرد در فصل گرما و سفرهای تابستانی تدوین شده است تا مصرف‌کنندگان، کارگزاران بهداشت عمومی، و ارائه‌دهندگان خدمات غذایی بتوانند با آگاهی بهینه‌تر تصمیم‌گیری کنند و از خطرات سلامت جلوگیری کنند.

اهمیت ساندویچ‌های سرد در فصل گرما

ساندویچ سرد، به عنوان یک وعده غذایی چندلایه که در آن دو یا چند برش نان، مواد غذایی سرد یا تازه را در خود جای می‌دهند، تعریفی متمایز از ساندویچ‌های گرم دارد. این مواد غذایی می‌توانند شامل پروتئین‌های پخته و سرد شده مانند مرغ یا گوشت، انواع سبزیجات تازه یا پخته، محصولات لبنی همچون پنیرهای سرد، سس‌ها و حتی مواد اولیه‌ای باشند که به